

دوماهنامه جستارهای زبانی
د ۷، ش ۶ (پیاپی ۳۴)، ویژه‌نامه پاییز ۱۳۹۵، صص ۳۹۱-۴۱۴

تحلیل زبان‌شناختی گفتمان‌های رقیب در پرونده بورسیه‌های تحصیلی:

رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

فردوس آقاگل‌زاده^{۱*}، طاهره طارمی^۲

۱. استاد گروه زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

دریافت: ۹۴/۷/۱

پذیرش: ۹۴/۹/۱۷

چکیده

در پژوهش حاضر که با هدف ارتقای دانش انتقادی خوانندگان انجام پذیرفته است، برآنیم تا نگاه ایدئولوژیک گفتمان‌های رقیب را با به‌کارگیری نظریه «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف در متون رسانه‌ای رمزگشایی کرده و معانی-بیش از صورت زبانی- را با توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی آشکار نماییم. بدین‌منظور، متونی را با محوریت موضوع اعطای بورسیه‌های تحصیلی توسط دولت دهم برگزیده‌ایم. داده‌های پژوهش حاضر از رسانه مطبوعاتی دو گفتمان رقیب (اصول‌گرا و اعتدال‌گرا) در یک بازه زمانی مشخص (آبان‌ماه سال ۱۳۹۳) جمع‌آوری شده‌اند. تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که نماینده گفتمان اصول‌گرا (روزنامه کیهان) به مراتب بیش از نماینده گفتمان اعتدال‌گرا (روزنامه اعتماد) از ساخت‌های ایدئولوژیک در سطح توصیف، اعم از روابط مفهومی واژه‌ها، علائم سجاوندی و ساخت‌های نحوی و گفتمانی (به‌کارگیری استعاره، ساخت‌های نحوی نشان‌دار و پیش‌فرض‌ها و ...) استفاده کرده است و بدین وسیله سعی در تکذیب گفتمان مورد بحث (تخصیص بورسیه‌های تحصیلی در دولت دهم) را داشته است؛ درحالی‌که متون روزنامه اعتماد از بار ایدئولوژیکی کمتری برخوردار بوده و نگارندگان با استفاده از راهبرد کمیت زبانی و ارائه نمونه‌ها و شواهد در جهت تأیید گفتمان مورد نظر عمل نموده‌اند.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی فرکلاف، بورسیه‌های تحصیلی.



۱. مقدمه

از آنجا که هیچ متنی را نمی‌توان در خلأ فهم یا تحلیل کرد، بنابراین باید هر متنی را در رابطه با شبکه‌های سایر متون و در رابطه با بستر اجتماعی فهمید. در تحلیل گفتمان انتقادی^۱، موضوع اصلی تحقیق، کردارهای گفتمانی و زبانی هستند که هم‌بازنمایی‌هایی از جهان، سوژه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی را برمی‌سازند و هم در پیشبرد منافع گروه‌های اجتماعی خاص، نقش ایفا می‌کنند. چهارچوب این پژوهش براساس تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف^۲ استوار است. فرکلاف «تعریف فوکو^۳ از گفتمان را با چهارچوب نظام‌مندی از تحلیل مبتنی بر تحلیل زبان‌شناختی متن^۴ تلفیق کرده است» (میلز، ۱۳۸۸: ۱۸۷). فرکلاف در این زمینه معتقد است که تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی است که می‌کوشد به نحوی نظام‌مند به تحقیق درباره‌ی کردارهای گفتمانی، متون، ساختارها، روابط و فرآیندهای گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی بپردازد (Vide. Fairclough, 1993: 135). به عبارت دیگر فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی به دنبال این است که نشان دهد رخدادها و متون از دل مناسبات قدرت بیرون می‌آیند و وارد مبارزات قدرت می‌شوند.

از این منظر هدف تحلیل گفتمان انتقادی این است که نقش کردارهای گفتمانی، متون و رخدادها و ارتباطی را در حفظ و بقا و یا تغییر جهان اجتماعی موجود نشان دهد. تحلیل گفتمان انتقادی، متن را به صورت مبسوط و همه‌جانبه تحلیل می‌کند تا با نحوه‌ی عملکرد زبانی فرآیندهای گفتمانی در متون مورد بررسی آشنا شود و معتقد است میان متن، کردارهای گفتمانی و ساختارهای اجتماعی رابطه‌ای پیچیده برقرار است که برای شناخت آن باید از برداشت ساده‌انگارانه و سطحی میان متن و جامعه فراتر رفت (Vide. Fairclough, 1992b).

بنابراین تحلیل گفتمان انتقادی سعی دارد به نحوی نظام‌مند کابرد زبان و متن را در رابطه با کردار اجتماعی گسترده‌تری تحلیل کند و غالباً به دنبال برملا کردن دانش بدیهی انگاشته‌شده و طبیعی‌شده متن است.

هدف اصلی مقاله حاضر این است که با محدود شدن به تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و تمرکز بر متون تولیدشده با محوریت بررسی تخصیص بورسیه‌های تحصیلی، تا آنجا که ممکن است دید روشن‌تری از این روش در فهم متون ارائه دهد و از این رهگذر سعی نماید با توصیف و تبیین ساختارهای زبانی ایدئولوژیک در مطبوعات متعلق به گفتمان‌های رقیب

(اعتدال‌گرا و اصول‌گرا) به کشف معانی بیش از صورت زبانی ناآید و دانش انتقادی خوانندگان را ارتقا دهد.

از ابتدای طرح مسئله اعطای بورسیه‌های تحصیلی توسط دولت دهم، مطبوعات و رسانه‌های مختلف به‌طور گسترده‌ای به این مطلب پرداختند. در این میان روزنامه‌های داخلی ایران نیز متون زیادی تولید کردند. در یک نگاه کلی، متون منتشرشده در رسانه‌های ایران نسبت به این موضوع را به دو گفتمان رقیب می‌توان تقسیم کرد: برخی طرح این مورد را صرفاً یک مسئله سیاسی تلقی کرده، اساساً صحت آن را زیر سؤال می‌برند. نمونه بارز این متون را می‌توان در روزنامه کیهان دنبال کرد. دسته دیگر همچون روزنامه اعتماد، به غیر قانونی بودن روند اعطای بورسیه‌های تحصیلی اذعان دارند؛ از این رو درصدد پیگیری آن از جانب مراجع قانونی ذی‌صلاح هستند. پرسش‌های اصلی تحقیق حاضر این است که:

۱. نگاه ایدئولوژیک گفتمان‌های رقیب (اعتدال‌گرا و اصول‌گرا) در مسئله بورسیه‌های تحصیلی چگونه در زبان مطبوعات بازنمایی می‌شوند و به‌لحاظ زبان‌شناسی چگونه قابل توصیف هستند؟

۲. در چهارچوب نظری تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، نویسندگان متون مطبوعاتی گفتمان‌های رقیب (اعتدال و اصول‌گرا) از چه استراتژی‌ها و راهبردهایی - با توجه به روابط قدرت و ایدئولوژی - جهت مُحق نشان دادن خود یا القای نظر خود بر خوانندگان بهره گرفته‌اند؟ داده‌های پژوهش حاضر از رسانه مطبوعاتی دو گفتمان رقیب (اعتدال‌گرایان و اصول‌گرایان) در جامعه ایران که در مطبوعات متعلق به این دو گفتمان (اعتماد و کیهان) بازنمایی شده‌اند، در یک بازه زمانی مشخص (آبان‌ماه سال ۱۳۹۳) با موضوع پرونده بورسیه‌های تحصیلی توسط دولت دهم به دست آمده است. بررسی داده‌ها مشخص می‌سازد که چگونه هر متنی متأثر از گفتمان‌های موجود و ساختار اجتماعی مولد این گفتمان‌ها، برداشتی متفاوت از یک مسئله را ارائه می‌کند. به عبارتی در این مقاله، به شیوه فرکلاف نشان داده می‌شود که گفتمان‌ها، نیروها و نظریه‌های اجتماعی موجود، چگونه در بازتاب پرونده بورسیه‌های تحصیلی نقش دارند.

نوآوری تحقیق حاضر در پیکره‌واژه‌ها و کارآمدی نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در تبیین و توصیف داده‌ها گردآوری شده و به‌منظور ارتقای دانش انتقادی جامعه است تا نگاه



ایدئولوژیک گفتمان‌های رقیب در متون زبانی، رمزگشایی شده و معانی پنهان و پیام بیش از صورت زبان‌شناختی (Vide. Yule, 2000: 3 & 35) برای روشن شدن حقیقت و بازنمایی این نگاه ایدئولوژیک گفتمان‌های رقیب- که در پشت واژه‌ها و جملات پنهان شده- برای ارتقای دانش تفکر انتقادی مردم آشکار گردد.

۲. پیشینه پژوهش

فرکلاف گفتمان و تحلیل گفتمان را این‌گونه تعریف می‌کند:

من گفتمان را مجموعه به هم‌تافته‌ای از سه عنصر کردار اجتماعی، کردار گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و [خود] متن می‌دانم و تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هریک از این سه بُعد و روابط میان آن‌ها را طلب می‌کند. فرضیه ما این است که پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر می‌شوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷ و ۹۸).

بنابراین، تحلیل گفتمان انتقادی از نظر فرکلاف، تلفیقی است از تحلیل متن، تحلیل فرآیندهای تولید و توزیع و مصرف متن و نیز تحلیل اجتماعی- فرهنگی رخداد گفتمانی، به عنوان یک کل. از میان کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه الگوی تحلیلی فرکلاف وجود دارد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

از جمله مهم‌ترین آثار در این زمینه می‌توان به اثر فرکلاف (1989) با عنوان *زبان و قدرت* اشاره نمود که شامل مطالبی همچون تحلیل گفتمان انتقادی در عمل: سطح توصیف^۱، سطح تفسیر^۲، سطح تبیین^۳ و نقش تحلیل‌گر است.

دیگر اثر فرکلاف (2010) تحت عنوان *تحلیل گفتمان انتقادی* مشتمل بر ۲۳ مقاله است که وی در فاصله بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۸ میلادی در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی به رشته تحریر درآورده و به مباحثی از قبیل زبان و ایدئولوژی، بازنمون گفتمان در گفتمان رسانه‌ها، اهداف انتقادی و توصیفی در تحلیل گفتمان، گفتمان و متن می‌پردازد.

در میان آثار پژوهشگران داخلی نیز موارد زیر را می‌توان ذکر نمود:

آفاگل زاده (۱۳۸۵) در کتاب *تحلیل گفتمان انتقادی* و مقاله (۱۳۹۱) «توصیف و تبیین ساختارهای زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی»، به صورت نظری و کاربردی به معرفی

تحلیل گفتمان انتقادی و نیز به‌کارگیری آن در متونی نظیر متون مطبوعاتی و رسانه‌ای (مشاجرات و مباحث مجلس، مسائل سیاسی-اجتماعی) پرداخته است.

حاتمی و جبارنژاد (۱۳۸۷) در مقاله خود با عنوان «تحلیل گفتمان به‌مثابه یک روش تحقیق در علوم انسانی»، ضمن بررسی نظریات مختلف اظهار کرده‌اند که فن تحلیل گفتمان به دلیل ناکارآمدی روش‌های دیگر تحلیل محتوا در دستیابی به لایه‌های پنهان متن و فراتر رفتن از سطح عینیت‌ها وارد حوزه بررسی پیام‌های ارتباطی شد و این را باید برخاسته از مقتضیات زمان و توجه به متفکران معاصر به بحث‌های انتقادی در مورد رسانه‌ها دانست.

سلطانی (۱۳۸۷) در کتاب خود به نام *قدرت، گفتمان و زبان*، سعی می‌کند تا با تکیه بر نظریه تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، این فرضیه را به اثبات برساند که قدرت پنهان در *گفتمان‌های سیاسی به‌واسطه فرآیندهای دوگانه برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی*، به‌طور کلی در *اجتماع و به‌طور خاص در مطبوعات جریان می‌یابد*. به عبارت دیگر، این کتاب بر آن است تا به انقلاب اسلامی، به‌مثابه پدیده‌ای فرهنگی، از زاویه زبان و زبان‌شناسی بنگرد. سلطانی در فصل ششم کتاب خود ابتدا ساختار گفتمان‌های اصلاح‌طلب و محافظه‌کار را بیان کرده است؛ سپس برای تبیین تقابل دو گفتمان، به تحلیل متون مطبوعاتی وابسته به هر دو گفتمان، براساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف پرداخته است.

آقاگل‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه‌شده «خواهران»، اثر جیمز موریس»، برابریابی را بر پایه ویژگی‌های صوری متن در زبان مبدأ و هم بافت موقعیتی با استناد بر رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف مورد کاوش قرار داده‌اند. آن‌ها معتقدند که تنها با بررسی صوری و از طریق تحلیل ویژگی‌های صوری متن در زبان مبدأ نمی‌توان مستقیماً به تأثیرات ساختاری بر شالوده‌های جامعه و در ادامه، به انتقال بین فرهنگی دست یافت.

۳. چهارچوب نظری پژوهش

زبان به‌عنوان بازنمود، نظامی از مفاهیم و اندیشه‌ها است که از جامعه، گفتمان و ایدئولوژی حاکم شکل می‌گیرد و در قالب زبان گفتار و نوشتار به‌عنوان ابزار ارتباطی تجلی می‌یابد؛ از این‌رو، همواره موضوعی شایسته برای مطالعه و تحقیق است. رویکرد مورد بررسی در تحلیل داده‌های پژوهش



حاضر، تحلیل گفتمان انتقادی، یکی از نظریه‌های میان‌رشته‌ای و کاربردی در رشته زبان‌شناسی همگانی است که مطالعه زبان را درون بافت اجتماعی^۸ - فرهنگی فراهم می‌سازد؛ پژوهش حاضر در نظر دارد با روش تحلیلی - توصیفی و با استناد بر رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، موضوع اعطای بورسیه‌های تحصیلی توسط دولت دهم را مورد بررسی قرار دهد.

نورمن فرکلاف، یکی از شخصیت‌های شاخص در زمینه تحلیل گفتمان است که در مقایسه با دیگر تحلیل‌گران گفتمان انتقادی «منسجم‌ترین، جامع‌ترین و پرتفردارترین نظریه را تدوین کرده است» (سلطانی، ۱۳۸۷: ۶۰).

در نگاه وی، تحلیل گفتمان انتقادی، روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود. رویکرد فرکلاف، نوعی تحلیل گفتمان متن‌محور است که تلاش می‌کند سه سنت را با یکدیگر تلفیق کند: تحلیل دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی (شامل گرامر کارکردی هالییدی^۹)؛ تحلیل جامعه‌شناختی کلان کنش اجتماعی (شامل نظریه فوکو) که روش‌شناسی مشخصی برای تحلیل متن در اختیار قرار نمی‌دهد؛ سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی (شامل اتنومتدولوژی و تحلیل گفت‌وگو) که براساس این‌ها زندگی روزمره، محصول کنش‌های اجتماعی افراد به شمار می‌آیند (نک. یورگنسن و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

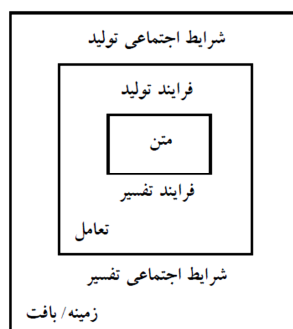
فرکلاف، کار خود را با انتقاد از رویکردهای توصیفی و غیر انتقادی در زبان‌شناسی و مطالعات پدیده‌های زبانی آغاز می‌کند. به زعم وی، این دیدگاه‌ها به تبیین شیوه‌های شکل‌گیری اجتماعی کنش‌های گفتمانی یا تأثیرات اجتماعی آن‌ها توجه ندارند، بلکه تنها به بررسی توصیفی ساختار و کارکرد کنش‌های گفتمانی بسنده می‌کنند؛ درحالی‌که تحلیل گفتمان انتقادی، در بررسی پدیده‌های زبانی و کنش‌های گفتمانی به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت و ... توجه کرده است (نک. فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۴). الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف، نشأت گرفته از تعامل^{۱۰} میان قدرت و زبان است. چهارچوب نظری فرکلاف حاوی مفاهیم متنوعی است که به فراخور هدف تحقیق می‌توان از آن‌ها استفاده کرد در این میان مفاهیم (رخداد ارتباطی و نظم گفتمانی) مفاهیم کلیدی نظریه وی هستند. از منظر فرکلاف در هر تحلیلی دو بُعد گفتمان از اهمیت محوری برخوردار است: رخداد ارتباطی و نظم گفتمانی.

رخداد ارتباطی، نمونه‌ای از کاربرد زبان از قبیل مقاله، روزنامه، فیلم سینمایی، ویدئو، مصاحبه یا سخنرانی سیاسی می‌باشد. تحقیق از طریق تحلیل نمونه‌های مشخص کاربرد زبانی، یا به تعبیر فرکلاف، تحلیل رخداد ارتباطی در رابطه با نظم گفتمانی انجام می‌گیرد. نظم گفتمانی، ترکیب‌بندی تمامی گونه‌های گفتمانی به‌کارگرفته‌شده در یک نهاد یا میدان اجتماعی است (نک. یورگنسن و همکاران، ۱۳۸۹).

از دیگر مفاهیم عمده نظریه گفتمان فرکلاف، تحلیل میان‌متنی است. از منظر وی، «متن‌ها وابسته به تاریخ و جامعه‌اند؛ بدین معنی که تاریخ و جامعه منابعی هستند که تحلیل میان‌متنی را در نظم‌های گفتمانی ممکن می‌سازند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۲).

فرکلاف گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند: گفتمان به‌مثابه متن، گفتمان به‌مثابه اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید و تفسیر متن و درنهایت، گفتمان به‌مثابه زمینه متن به معنای روابط کنش‌های گفتمانی و بسترهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی (نک. همان: ۹۶). بنابراین، در هر رخداد ارتباطی، باید این سه بُعد (متن، کردار گفتمانی و کردار اجتماعی) را لحاظ کرد.

فرکلاف مدل نظری خود را در کتاب *زبان و قدرت* به شکل نمودار زیر ترسیم می‌کند:



نمودار ۱. عناصر مدل سه‌بُعدی گفتمان و تعامل این عناصر با یکدیگر

Diagram1. The Components of Three- Dimensional Model of Discourse and Their Interaction (Fairclough, 1996: 25)



این مدل بیانگر این اصل است که متن را نمی‌توان در خلأ، فهم یا تحلیل کرد؛ هر متنی را باید در رابطه با شبکه‌های سایر متون و در رابطه با بستر اجتماعی فهمید. تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین برخوردار است (Vide. Fairclough, 1996: 26). در هریک از این سطوح، تحلیل وجود دارد، اما ماهیت تحلیل در هر مرحله متفاوت است.

الف. سطح توصیف

در الگوی سه مرحله‌ای تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، مرحله توصیف، پیش‌فرض مرحله‌های تفسیر و تبیین قرار دارد. درواقع هر رخداد ارتباطی، یک متن در نظر گرفته می‌شود و توصیف مرحله‌ای است که در آن به ویژگی‌های صوری متن پرداخته می‌شود (نک. آفاگل‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). در این سطح نشان داده می‌شود که چگونه تفاوت‌های ایدئولوژیک میان متون در بازنمایی‌های مختلفی که از جهان ارائه می‌دهند در واژگان آن‌ها رمزگذاری می‌شود. همچنین در این سطح، متن بر مبنای ویژگی‌های دستوری نظیر کاربرد جمله یا عبارت، جملات معلوم یا مجهول و گزاره‌های مثبت یا منفی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

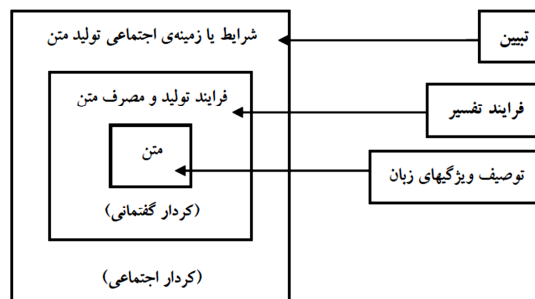
ب. سطح تفسیر

هر رخداد ارتباطی یک کردار گفتمانی است. به نظر فرکلاف، از طریق ویژگی‌های صوری متن نمی‌توان مستقیماً به تأثیرات ساختاری این ویژگی‌ها بر شالوده جامعه دست یافت؛ زیرا رابطه متن و ساختارهای اجتماعی، رابطه‌ای غیر مستقیم است. تفسیرها، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به کار می‌بندد. به عبارت دیگر، فرکلاف از مرحله تفسیر جهت نامیدن یک مرحله از مراحل تحلیل گفتمان انتقادی استفاده کرده است که «مرحله تفسیر، هم فرآیندهای مشارکین گفتمان و هم تفسیر متن را شامل می‌شود» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵).

ج. سطح تبیین

هر رخداد ارتباطی یک کردار اجتماعی است. تبیین، مرحله‌ای است که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد؛ این‌که چگونه فرآیندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند. در این سطح، به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان، برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و

قدرت و قراردادهای و دانش فرهنگی اجتماعی می‌پردازد. هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به‌عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است. فرکلاف در توضیح این مرحله بیان می‌دارد که: «تبیین، با توصیف گفتمان به‌عنوان کنشی اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند و این‌که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی بر ساختارها دارند، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختار می‌شوند» (همان: ۲۴۵). بنابراین به‌طور کلی می‌توان گفت، تبیین، عبارت است از دیدن گفتمان به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت (نک. همان).



نمودار ۲. مدل تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

Diagram2. Fairclough Critical Discourse Analysis Model

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به ملاحظات بالا، رخداد ارتباطی برگزیده برای پژوهش حاضر، مقالاتی با محوریت موضوع تخصیص بورسیه‌های تحصیلی در دولت دهم است که از روزنامه‌های کیهان و اعتماد انتخاب شده‌اند. مقالات بالا در بازه زمانی آبان‌ماه ۱۳۹۳ به چاپ رسیده‌اند. پس از مطالعه دقیق، داده‌های مرتبط آن‌ها استخراج شده و در قالب الگوی «تحلیل گفتمان انتقادی» فرکلاف مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در چهارچوب نظری اشاره گردید که تحلیل گفتمان فرکلاف در سه سطح انجام می‌شود: توصیف، تفسیر و تبیین. «تحلیل در مرحله اول، به برچسب‌دهی ویژگی‌های صوری متن اکتفا می‌کند و متن را به‌مثابه یک شیء در نظر می‌گیرد و



در مرحله دوم، تحلیل گفتمان به تحلیل فرآیندهای شناختی شرکت‌کنندگان^{۱۱} و تعاملات میان آن‌ها می‌پردازد. مرحله تبیین نیز ارتباط میان رویدادهای اجتماعی^{۱۲} (تعاملات) با ساختارهای اجتماعی را بیان می‌کند که بر این رویدادها تأثیر می‌گذارند و نیز از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند» (آفاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶: ۴۳).

به‌طور کلی، در چهارچوب روش‌شناسی فرکلاف می‌توان از ابزارهای گوناگونی برای تحلیل استفاده کرد. در این پژوهش، در سطح توصیف، از مجموع ویژگی‌های صوری متن از جمله واژگان و دستور جملات، در سطح تفسیر، از نظم گفتمانی و میان‌متنی (میان‌گفتمانی) و در سطح تبیین، از فرآیندهای نهادی و اجتماعی استفاده می‌شود.

۴-۱. مرحله توصیف (تحلیل ساختار زبانی)

در این مرحله از تحلیل گفتمان با توصیف خصوصیات صوری واژه‌ها و روابط مفهومی آن‌ها با یکدیگر و همچنین ویژگی‌های نحوی جمله، تلاش می‌شود تا کشف معانی بیش از صورت زبانی انجام پذیرد. در گام نخست مرحله توصیف، عناوین دو مقاله از رسانه مطبوعاتی دو گفتمان رقیب در یک تاریخ مشابه، به‌عنوان نمونه، مورد بررسی قرار می‌گیرد. عنوان یکی از مقالات مورد بررسی در روزنامه کیهان مورخ ۳ آبان‌ماه ۱۳۹۳ از این قرار است:

«برخلاف ادعاها و جنجال‌های چندماهه، کوه پرونده بورسیه‌ها موش زائید!»

این عنوان در صفحه اول این روزنامه آمده و همچنین در صفحه سوم نیز تکرار شده است. تکرار تیتیر در چند صفحه مختلف، جهت طبیعی جلوه‌دادن آن مطلب می‌باشد. چنان‌چه از لحاظ مشخصات ظاهری مورد بازبینی قرار گیرد، مشاهده می‌شود که قسمت دوم عنوان مزبور، یعنی «کوه پرونده بورسیه‌ها موش زائید!» با اندازه فونت بسیار بزرگ درج شده است که همین امر می‌تواند تأثیر بسزایی در جلب خواننده داشته باشد و برای خواندن مطلب ذیل این عنوان ایجاد انگیزه نماید. نکته دیگر این‌که این عنوان در قالب یک جمله معلوم بیان شده است که میان ساختارهای نحوی و ساختارهای گفتمانی آن انطباق وجود دارد. در عنوان این متن، به بزرگ‌نمایی موضوع مورد نظر (اعطای بورسیه‌های تحصیلی) از جانب گفتمان رقیب اشاره شده است و با نوعی تمسخرگرایی به ناچیز و بی‌اهمیت‌بودن موضوع مورد بحث آن‌ها اشاره

گردیده است. بدین مضمون که پرونده بورسیه‌ها را به کوهی تشبیه کرده است که در اثر زائیدن، به نتیجه کوچک و غیر قابل باوری (موش) منجر شده است. کاربرد فعل «زائیدن» برای کوه که غیر جاندار است، به‌نوعی تشخیص‌زایی محسوب می‌شود. در تشبیه پرونده بورسیه‌ها به کوه، احتمالاً به‌نوعی بزرگ جلوه‌دادن این مسئله از جانب گفتمان رقیب را خاطر نشان می‌کند و نتیجه حاصل از بررسی پرونده‌ها را از این بابت که در حد بسیار کمی با ادعاهای آن‌ها همخوانی دارد، به موجود ریزجته‌ای چون «موش» تشبیه کرده است. همه این تشبیهات و مفاهیم غیر مستقیمی که در این عنوان موجود است، به‌علاوه تقابلی که میان قسمت اول این جمله «برخلاف ادعاها و جنجال‌های چندماهه» و قسمت دوم آن «کوه پرونده بورسیه‌ها موش زائید»، وجود دارد همگی در جهت جلب نظر خواننده برای خواندن مطلب عمل می‌نماید. همچنین، نویسنده این عنوان به‌طور مستقیم رضایت خود را مبنی بر ناچیز و کم‌اثربودن، نتیجه بررسی پرونده بورسیه‌های تحصیلی را از همان ابتدای امر به ذهن خواننده القا می‌کند. نگارنده با انتخاب این عنوان ابراز می‌دارد که برخلاف جنجال و هیاهویی که در قالب ادعا طی چندین ماه از سوی گفتمان رقیب در خصوص مسئله یادشده، عنوان شده است، لیکن به نتیجه مورد خواست گفتمان رقیب نینجامیده است. بنابراین می‌توان اظهار داشت که نگارنده این متن، بار ایدئولوژیکی منفی مورد نظر خود را- نسبت به پیگیری و اصلیت طرح موضوع بورسیه‌های غیر قانونی در دولت دهم- به ذهن خواننده القا می‌نماید.

عنوان مقاله روزنامه اعتماد در تاریخ مشابه به این صورت است:

«دولت وعده خود برای پیگیری بورسیه‌ها را به سرانجام رساند».

«گزارش بورسیه‌ها به مردم»

این عنوان در صفحه اول روزنامه وجود دارد و دقیقاً در صفحه یازدهم نیز تکرار شده است. در بازبینی مشخصات ظاهری، مشاهده می‌شود که قسمت دوم عنوان یعنی «گزارش بورسیه‌ها به مردم» عنوان اصلی مورد نظر نویسنده می‌باشد؛ زیرا با اندازه فونت بزرگ‌تر نوشته شده است. از آنجا که عنوان اصلی این متن در قالب یک عبارت بیان شده است و نه یک جمله کامل، بنابراین این اختیار عمل را به خواننده می‌دهد تا با خواندن کل مطلب در خصوص آن داوری نماید نه این‌که از همان ابتدا نظر خود را به خواننده القا نماید و فرصت فکر کردن را از او سلب کند. از این جهت، عنوان حاضر هیچ‌گونه بار معنایی مثبت یا منفی دربر ندارد و کاملاً



خنثی است. از سویی دیگر، در قسمت اول این عنوان (دولت وعده خود برای پیگیری بورسیه‌ها را به سرانجام رساند) که با اندازه فونت کوچک‌تری نوشته شده است، دیدگاه مثبت نگارنده نسبت به وفای به عهد دولت، جهت پیگیری پرونده بورسیه‌ها و به سرانجام رساندن آن توسط دولت ذکر شده است. به عبارتی دیگر، رضایت‌مندی نویسنده بابت گزارشی که ارائه شده است از این قسمت عنوان متن، به‌طور ضمنی قابل برداشت می‌باشد. چنانچه ملاحظه می‌شود، عنوان انتخابی توسط روزنامه اعتماد نسبت به روزنامه کیهان از لحاظ ساخت زبانی ساده‌تر است و به دور از آرایه‌های ادبی همچون تشبیه و استعاره و... بوده و نسبت به آن از بار ایدئولوژیکی کم‌تری برخوردار می‌باشد.

در مطالب منتشرشده با موضوع مورد نظر و در بازه زمانی معین، در روزنامه کیهان و اعتماد در سطح توصیف در متن اصلی مقالات می‌توان به مواردی اشاره کرد که با توجه به محدودیت‌های موجود، برخی از آن‌ها مطرح شده و تنها به ارائه چند شاهد اکتفا می‌گردد.

- استفاده از راهبردهای سجاوندی

استفاده از راهبردهای سجاوندی نظیر علامت تعجب و علامت سؤال سبب می‌شود که تعجب‌برانگیز بودن موارد مطرح‌شده از جانب گفتمان رقیب را بیشتر بنماید و بدین‌وسیله پیامی بیش از کلام منتقل گردد. شواهد:

«تا اندکی از بار دروغ بزرگ بورسیه‌های خلاف قانون بکاهد!»

«اصرار نمایندگان مجلس بر برکناری فرجی‌دانا را به انتقام‌گیری سیاسی ایشان در

قضیه بورسیه‌ها نسبت می‌دادند!»

«محمدعلی نجفی در مصاحبه با خبرنگاران اعلام نمود که تنها پرونده ۶۰۰ مورد از

۳۷۰۰ نفر دچار ایهاماتی بوده است که در این باره اطلاع‌رسانی خواهد شد!»

بررسی داده‌ها نشانگر این است که تولیدکننده گفتمان اصول‌گرا به‌مراتب بیش از تولیدکننده گفتمان اعتدال‌گرا از این راهبرد استفاده کرده است. به‌عنوان نمونه در یکی از مقالات تحت بررسی در روزنامه کیهان ۱۳ علامت تعجب وجود دارد و در روزنامه اعتماد تاریخ مشابه، ۴ بار علامت تعجب مورد استفاده قرار گرفته است.

- راهبرد تقابل معنایی

اصطلاح «تقابل معنایی» در ارتباط با مفاهیم متقابل یا در اصطلاح سنتی، معانی متضاد

واژه‌ها مطرح می‌گردد. در بیشتر موارد، انواع تقابل معنایی با برچسب «واژه‌های متضاد» نظیر: «بالا/ پایین» و «چپ/ راست» مشخص می‌شوند؛ به این دلیل که مفهوم یکی از این واژه‌ها در نقطه مقابل مفهوم واژه دیگر قرار می‌گیرد (نک. صفوی، ۱۳۸۷: ۱۱۷ و ۱۱۸). در متون تحت بررسی، موارد زیادی تضاد معنایی به کار رفته است. شواهد:

«مدعیان دروغ راستگویی»

عبارت بالا که به‌کرّات در متون تکرار شده است با بهره‌گیری از راهبرد تضاد معنایی دو واژه متضاد «دروغ/ راست» را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهد و بدین‌وسیله، نگارنده در جهت تخریب وجهه گفتمان رقیب در نظر خوانندگان تلاش می‌نماید.

«فقط و فقط از باب افزایش کمیت‌شمار بورسیه‌های غیر قانونی بوده است تا اندکی از

بار دروغ بزرگ بورسیه‌های خلاف قانون بکاهند!»

در جمله ذکرشده نیز با توجه به بافت و قصد گوینده، واژه‌های متقابلی عنوان شده که در القای گفتمان مورد نظر نویسنده متن نقش بسزایی ایفا می‌کند.

– راهبرد تشابه معنایی

تشابه معنایی، یکی دیگر از روابط مفهومی است که میان واژه‌ها وجود دارد. واژه‌های متشابه واژه‌هایی هستند که چنانچه به‌جای یکدیگر به کار روند، در معنی زنجیره گفتار تغییری حاصل نمی‌شود. استفاده از واژه‌هایی که دارای تشابه معنایی هستند، در مجاورت یکدیگر از دیگر استراتژی‌هایی است که در متون بررسی‌شده به‌وفور مشاهده می‌شود. شواهد:

«با این وصف اکنون جای این پرسش خالی است که یکسال هیاهو و جنجال مدعیان دروغین راستگویی چه فرجامی داشته است؟!»

«پس از ماه‌ها جنجال و تهمت و افترا پیرامون ۳۷۷۲ دانشجوی دکتری بورسیه‌شده در

دولت دهم...»

«وی با بیان این‌که نمی‌شود وزارت علوم خودش را هم در مقام مدعی و قاضی و داور

قرار دهد، تأکید کرد...»

در نمونه‌های بالا، واژه‌های متشابه «جنجال و هیاهو»، «شاکی و مدعی»، «قاضی و داور» و «تهمت و افترا» وجود دارد که این امر حاکی از سعی تولیدکننده گفتمان جهت القای بار معنایی بیشتر می‌باشد.



– راهبرد استفاده از قیود

وجود متعدد قیدهایی مختلف و در برخی موارد قیدهایی مکرر، یکی دیگر از راهبردهای کاربردی در متون می‌باشد. وجود چنین قیدهایی به افزایش بار ایدئولوژیک متن کمک می‌کند و خواننده را بیشتر در سمت و سوی دیدگاه گفتمان نگارنده قرار می‌دهد. شواهد:

«نیم‌نگاهی به این گزارش، تنها و تنها یک نتیجه دربردارد و آن چیزی نیست جز دروغ بودن آن همه ادعا!»

«ظاهراً تعجیل برای نگارش متنی موهوم و آمارسازی تا بدانجا بوده ...»

«اقدام ناشیانه تنظیم‌کنندگان اطلاعاتی وزارت علوم دولت راستگویان ... فقط و فقط از باب افزایش کمیت‌شمار بورسیه‌های غیر قانونی بوده است.»

– راهبرد استفاده از گزاره‌های شرطی و منفی

همان‌طور که در روابط معنایی در سطح جمله بیان می‌شود، در جملاتی که ادات «اگر» وجود دارد، صدق یا کذب گزاره‌ای که با «اگر» آغاز می‌شود به‌تنهایی در صدق و کذب کل جمله تأثیر ندارد؛ زیرا در چنین جملاتی ارزش صدق کل جمله مشروط به ارزش صدق گزاره‌ای است که پس از گزاره شرط آمده است (نک. صفوی، ۱۳۸۷: ۱۴۷). با در نظر گرفتن این مطلب، تولیدکننده گفتمان با بسامد بالایی از جملات شرطی استفاده کرده است تا بدین‌وسیله به هدف مورد نظر خود دست یابد. همچنین جملات حاوی گزاره‌های منفی نیز در این متون چشمگیر می‌باشد که در بیشتر موارد از نوع تضاد صوری می‌باشد که از طریق وقوع تکواژهای منفی‌ساز تحقق می‌یابد. شواهد:

«اگر آن‌گونه که مسئولان وزارت علوم مدعی هستند، ...»

«اگر ادعایشان درست باشد، حتماً باید مطابق قانون برخورد شود، اما اگر ...»

«حتی اگر ۸۴۰ نفر موهوم ... مشکل داشته‌اند، اکنون مدعیان دروغین باید جوابگوی آبروی ...»

«تعجیل برای آمارسازی تا بدانجا بوده که فرصت تطبیق اعداد با ادعاها فراهم نشده است.»

«اگر آن‌ها شرایط بورس را داشته‌اند، لغو بورسشان معنی ندارد!»

بررسی کمی داده‌ها بیانگر این است که تولیدکنندگان گفتمان در روزنامه کیهان به‌طور قابل

ملاحظه‌ای از راهبرد کاربرد گزاره‌های شرطی و منفی نسبت به روزنامه اعتماد استفاده کرده‌اند. این در حالی است که اغلب جملات در متون تحت بررسی در روزنامه اعتماد، خبری و شامل گزاره‌های مثبت هستند و به‌ندرت از افعال منفی استفاده شده است. شواهد:

«دولت در یک سال گذشته کوشیده است جهت ... گام‌های عملی بردارد.»

«این وزارت، چگونگی اعطای بورسیه‌های تحصیلی بدون آزمون را مورد بررسی قرار

داد.»

– راهبرد استفاده از بیان غیر مستقیم

در بیان غیر مستقیم، تولیدکننده گفتمان در اظهارات خود مستقیماً «دیگری» را خطاب نمی‌کند. در مواردی نیز مشاهده می‌شود که نگارنده از موضع قدرت برخورد کرده و با استفاده از بیان غیر مستقیم و تلویح، با فرض این‌که بر «دیگری» تسلط دارد، به نحوی برای گفتمان رقیب تعیین تکلیف کرده و تهدید صورت گرفته است. شواهد:

«... به وزارت علوم اجازه نخواهد داد با حاشیه‌سازی برای کشور و دانشگاهیان جنگ

روانی درست کند.»

«اکنون مدعیان دروغین باید جوابگوی آبروی بر باد رفته ۸۰ درصد مابقی باشد.»

«وزارت علوم موظف است با این کمیته همکاری کند و ...»

– راهبرد کثیت زبانی

متون با محوریت موضوع اعطای بورسیه‌های تحصیلی، در روزنامه اعتماد به‌لحاظ کمی به‌طور قابل توجهی نسبت به متونی با موضوع مشابه آن در روزنامه کیهان بیشتر می‌باشد. هنگام بررسی یکی از مقاله‌های مرتبط در روزنامه اعتماد مورخ شنبه ۳ آبان ماه سال ۱۳۹۳ که به‌طور مبسوط به ماجرای اعطای بورسیه‌های تحصیلی توسط دولت دهم اشاره می‌کند، نکاتی چند مشاهده می‌شود که در اینجا تعدادی از آن‌ها ذکر می‌گردد.

نگارنده این مطلب، به‌طور بسیار دقیق و با ذکر جزئیات و بیان آمار و ارقام به روشن‌گری پیرامون موضوع مطرح‌شده می‌پردازد. بدین‌نحو که نتایج پیگیری پرونده بورسیه‌ها در قالب ۴ بخش ارائه شده است و در هر بخش، ابتدا شرایط کامل تبصره مورد نظر شرح داده می‌شود و سپس در زیربخش‌هایی، موارد خلاف و توجیه‌ناپذیر در مورد حاضر، همراه با ذکر نمونه و بازه زمانی عنوان می‌شود. همان‌گونه که از عنوان مطلب نیز برمی‌آید (گزارش بورسیه‌ها به



مردم)، بخش اعظم متن، جنبه گزارش‌گونه داشته و در قالب جملات کوتاه و مشخص و به دور از هر گونه آرایه‌های ادبی نظیر تشبیه و کنایه و غیره بیان شده است. چنان‌که اغلب جملات فاقد بار ایدئولوژی مثبت یا منفی هستند و این فرصت را در اختیار خواننده می‌گذارد تا خود، پس از خواندن متن به نتیجه نهایی برسد. شواهد:

«بین سال‌های ۸۸ تا ۹۲، ۳۷۷۲ نفر بدون آزمون بورسیه شدند.»

«بورسیه ۸۴۰ متخلف قطع شد و باید با هزینه شخصی ادامه تحصیل دهند.»

«کمک‌هزینه تحصیلی ۲۳ متخلف که از شرایط اینترگران استفاده کرده بودند، قطع شد.»

یکی دیگر از استراتژی‌هایی که تولیدکنندگان گفتمان، جهت بازنمایی نگاه ایدئولوژیک گفتمان‌های رقیب از آن بهره می‌گیرند، آوردن نمونه و مثال‌های عینی در هریک از موارد مطروحه می‌باشد که این امر علاوه بر این‌که منجر به افزایش کمی گفتمان می‌شود، کمک شایانی به تنویر افکار عمومی جهت روشن شدن حقایق می‌نماید. شواهد:

«... از قبیل دادن بورسیه برای تحصیل در کشور استرالیا در رشته مطالعات اندونزی»

«اعزام به خارج در رشته‌هایی همچون تاریخ انقلاب اسلامی و مدرسی انقلاب اسلامی و

...»

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که گفتمان اعتدال‌گرا (روزنامه اعتماد) از راهبرد کمیت زبانی و ارائه مثال و شاهد نسبت به گفتمان اصول‌گرا (روزنامه کیهان) بیشتر بهره برده است.

– راهبرد بهره‌گیری از عبارات وصفی و اضافی

استفاده مکرر از صفات، اعم از صفات حاوی بار ایدئولوژیکی مثبت یا منفی می‌تواند پیامی فراتر از کلام را به خواننده القا کند. شواهد:

«وزیر دانشمند قبلی، آقای دکتر فرجی‌دانا»، «مراجع ذی‌صلاح قانونی» و «وزیر

بی‌حاشیه و بی‌سر و صدای کابینه»

«وزارت علوم براساس وظایف قانونی و برنامه‌های اعلام‌شده در دولت تدبیر و امید

کوشیده است که ...»

کاربرد صفت‌هایی با بار معنایی مثبت و برجسب‌دهی مثبت، در القای دیدگاه مثبت نگارنده نسبت به دولت کنونی و زیرمجموعه‌های آن به خواننده متن، نقش مهمی ایفا می‌کند و می‌تواند

خواننده را به سمت گفتمان نویسنده ترغیب نماید. بررسی داده‌ها بیانگر این است که تولیدکنندگان گفتمان در روزنامه اعتماد با استفاده متناوب از این راهبرد تلاش می‌نمایند تا پیامی بیش از صورت را مبنی بر صحت و دقت در روند پیگیری پرونده بورسیه‌ها توسط دولت به خواننده منتقل نمایند.

- راهبرد استفاده از تصاویر (هنر)

کاربرد راهبردهای هنری نظیر تصاویر، نقش بسزایی در بازنمایی نگاه ایدئولوژیک گفتمان‌های رقیب ایفا می‌کند. این امر سبب می‌گردد که خواننده متن با توجه به دانش پیش‌زمینه‌ای خود، ناگفته‌ها و نانوشته‌ها را بر مبنای بافت، تعبیر نماید. شواهد: تولیدکننده گفتمان اعتدال‌گرا در یکی از متن‌های مرتبط مفصلی که نوشته، تصویر رنگی نیز آورده است. در این تصویر، بورسیه‌های غیر قانونی به شکل بادکنکی نشان داده شده که در محاصره تعداد زیادی کاکتوس حاوی خار قرار دارد و هر لحظه امکان ترکیدن آن وجود دارد. وی به کمک این شکل، ناپایداری بورسیه‌های اعطاشده و در معرض خطر بودن آن‌ها را به خواننده القا می‌کند.

- راهبرد بهره‌گیری از مذهب

استفاده از آیات قرآنی و احادیث معصومین در گفتمان و همچنین اشاره به برخی موارد که در صدر اسلام رخ داده است، اعم از مستقیم یا غیر مستقیم، از راهبردهایی می‌باشد که تولیدکننده گفتمان با توسل به مذهب تلاش می‌نماید تا بدین‌وسیله ایدئولوژی خود را مثبت جلوه نماید. شواهد:

«و من الله التوفیق و علیه التکلان»

عبارت بالا در انتهای یکی از متون به چشم می‌خورد که با در نظر گرفتن بافت قبل از آن، می‌توان چنین تلقی کرد که نگارنده متن، با ذکر این عبارت در صدد آن است که به تحقیق‌پویان وعده‌های دولت بابت پیگیری پرونده بورسیه‌های غیر قانونی را توفیقی از جانب خدا تلقی کند و برای به سرانجام رساندن آن بر خدا تکیه و توکل می‌نماید.

از آنجا که در بازه زمانی مورد نظر، مقالات تحت بررسی از لحاظ کمی مشابه نیستند و همچنین تعدادی از راهبردهای مطرح‌شده با هم همپوشانی دارند، از این‌رو مقایسه دقیق استراتژی‌های کاربردی در روزنامه‌ها به صورت دقیق امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ اما به طور نسبی



می‌توان ادعا کرد که در موارد راهبردهای سجاوندی، گزاره‌های شرطی و منفی، استفاده از قیدها و بیان غیر مستقیم روزنامه کیهان پیشرو است و در مورد راهبرد کمیت زبانی، ارائه نمونه و مثال و بهره‌گیری از عبارات وصفی روزنامه اعتماد پیشرو است. در سایر موارد عنوان‌شده نظیر راهبرد تشابه و تقابل معنایی هر دو گفتمان اعتدال‌گرا و اصول‌گرا به‌طور تقریباً یکسانی از راهبردهای مختلف جهت بازنمایی ایدئولوژی مورد نظر خود بهره برده‌اند.

۲-۴. مرحله تفسیر

مرحله تفسیر، هم فرآیندهای مشارکین گفتمان و هم تفسیر متن را شامل می‌شود» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). فرکلاف در مرحله تفسیر به دنبال بیان این مطلب است که مفسرین چگونه بافت موقعیتی را تفسیر می‌کنند و چگونه این تفسیر، نوع گفتمان مربوطه را مشخص می‌کند. به‌طور کلی، فرکلاف در مرحله تفسیر به بافت موقعیتی و نوع گفتمان و نظم گفتمانی اشاره می‌کند. در این مرحله، فرکلاف چند سؤال اساسی مطرح می‌کند که عبارت‌اند از: ماجرا چیست؟ چه کسانی درگیر آن هستند؟ روابط میان آن‌ها چیست و نقش زبان در این خصوص چیست؟ (نک. همان: ۲۲۲).

ماجرا چیست؟ ماجرای اصلی در رخداد ارتباطی انتخاب‌شده، بحث بر سر مسئله اعطای بورسیه تحصیلی به افرادی خاص در مقطع زمانی ویژه‌ای است.

یکی از نویسندگان روزنامه اعتماد، ماجرا را به این شرح عنوان می‌کند:

«ماجرا از این قرار بود که وزارت علوم دولت یازدهم، پرده از تخلف و رانت‌های علمی در دولت نهم و دهم برداشت ... در آن زمان وزارت علوم وقت، با افزودن یک بند تحت عنوان «افراد دارای خدمات و سوابق برجسته در زمینه‌های فرهنگی» زمینه بورس تعدادی را فراهم می‌کند که فاقد شرط سنی و معدل و دیگر شرایط قانونی بورس بوده‌اند.»

این درحالی است که نویسنده روزنامه کیهان، ماجرا را این‌گونه مطرح می‌کند:

«پس از ماه‌ها جنجال و تهمت و افترا پیرامون ۳۷۷۲ دانشجوی دکتری بورسیه‌شده در دولت دهم، وزارت علوم با صدور اطلاعیه‌ای تنها ۳۶ نفر از بورس‌شدگان را به علت ارائه اطلاعات نادرست، مشمول لغو بورس، قطع تحصیل و بازگرداندن هزینه‌های پرداختی وزارتخانه دانست!»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هریک از تولیدکنندگان گفتمان، دید متفاوتی از موضوعی واحد را ارائه داده‌اند و بدین‌وسیله سعی در القای ایدئولوژی مورد نظر خود را به خواننده دارند. علت اصلی طرح این ماجرا در این مقطع زمانی، مسئله استیضاح وزیر علوم (فرجی‌دانا) می‌باشد که به‌نوعی با این پرونده مرتبط است.

چه کسانی درگیر ماجرا هستند؟ افراد اعطاکندۀ بورس در دولت گذشته و مسئولین مربوطه در دولت فعلی، مشارکین اصلی این ماجرا هستند؛ لیکن در کنار آن‌ها نیز سایر نهادها و ارگان‌ها، مجلس شورای اسلامی و در دیدی کلی، همهٔ مردم دخیل می‌باشند.

روابط میان آن‌ها چیست؟ در این مرحله، روابط و مناسبات قدرت و فاصلهٔ اجتماعی و دیگر مواردی که در موقعیت مورد نظر تعیین و تثبیت شده‌اند، مطرح می‌شود. افراد درگیر در این ماجرا اصول‌گرایانی هستند که در وزارت علوم و سایر نهادها در دولت دهم حضور داشته‌اند که به‌لحاظ ظاهری در حال حاضر این طیف، نقش سیاسی کم‌رنگ‌تری دارند. افراد پیگیر این تخلف، مسئولین و نهادهای مرتبط در دولت یازدهم می‌باشد که اغلب عضو جناح اصلاح‌طلبان هستند و در حال حاضر در موضع قدرت قرار دارند.

نقش زبان چیست؟ فرکلاف معتقد است از زبان به‌صورت ابزاری در جهت تحقیق‌بخشی یک هدف گفتمان یا نهادی و اداره‌ای گسترده استفاده می‌شود. در اینجا از زبان در قالب مقالهٔ روزنامه برای بررسی ماجرای پروندۀ بورسیه‌ها استفاده شده است.

به اعتقاد فرکلاف در بُعد تفسیر، علاوه بر موضوع‌های ذکرشده، نظم گفتمان و میان‌گفتمانی - که جنبه‌ای از نظم اجتماعی است - اهمیت بسزایی دارد. بر این اساس در بعد تفسیر، تأکید این پژوهش بر بینامتنیت استوار است.

برای مثال: روزنامهٔ کیهان جهت گفتمان تأیید روند اعطای بورس تحصیلی، از بینامتنیتِ روند بورسیه‌های تحصیلی در دولت‌های هاشمی، خاتمی استفاده می‌کند. درحالی‌که یکی از موارد کاربرد بینامتنیت در روزنامهٔ اعتماد در جمله‌ای به شرح زیر است:

«موضوع از طرف وزیر علوم وقت مورد توجه قرار نگرفته و در جلسهٔ شورای مرکزی بورس مورخ ۹۱/۵/۳ که در دفتر ایشان برگزار شده، اعلام می‌شود ...»



۳-۴. مرحله تبیین

مسئله اصلی تحقیق حاضر، کشف، توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در متون مطبوعات متعلق به گفتمان‌های رقیب، یعنی اعتدال (گفتمان دولت) و اصول‌گرایان با هدف ارتقای دانش انتقادی خوانندگان یا مردم است که دارای پشتوانه نظری مفاهیم و مبانی کاربردشناسی زبان و تحلیل گفتمان باشد. فرکلاف در مرحله تبیین، به دنبال بیان شالوده اجتماعی و نظریات اجتماعی است که در شکل‌گیری گفتمان‌ها نقش دارند. «درحالی‌که تفسیر، چگونگی بهره‌جستن از دانش زمینه‌ای در پردازش گفتمان را مورد توجه قرار می‌دهد، تبیین، به شالوده اجتماعی و تغییرات دانش زمینه‌ای و البته بازتولید آن در جریان کنش گفتمانی می‌پردازد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵). وی در توضیح مرحله تبیین می‌نویسد:

تبیین، گفتمان را به‌عنوان کنش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند. همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر ساختارها بگذارند؛ تأثیری که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختار می‌شوند (همان).
به‌طورکلی در «تبیین»، محقق، گفتمان را به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در مناسبات قدرت می‌بیند.

بر این اساس دو گفتمان اصلی متن در سطوح نهادی و اجتماعی و در چهارچوب دو سؤال زیر قابل بررسی می‌باشد:

۱. این گفتمان‌ها به کدام فرآیندهای نهادی تعلق دارند؟

۲. این گفتمان‌ها به کدام فرآیندهای اجتماعی تعلق دارند؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت که چهارچوب نهادی این متن نسبتاً پیچیده و گسترده است؛ چرا که سیاست و جامعه، در هم تنیده و هریک دارای نهادهای متعددی هستند. به عبارت دیگر جان‌مایه این متن که بیان جزئیات پرونده بوریس‌های تحصیلی در قالب دو گفتمان موافق و مخالف است، محل تقاطع نهادهای متعددی است که هر کدام در این ماجرا دخیل هستند. نهاد وزارت علوم، استعدادهای درخشان، دیوان محاسبات کشور و کمیسیون آموزش مجلس و
در پاسخ به پرسش دوم نیز گفتنی است این دو گفتمان بخشی از فرآیند اجتماعی است؛ یعنی نازعه میان طیف موافق شیوه اعطای بورسیه تحصیلی (جناح اصول‌گرا) و افراد مخالف

با این روند (جناح اعتدال‌گرا) می‌باشد. در هر برهه از زمان با روی کار آمدن دولت جدید، با توجه به دیدگاه و جناح سیاسی شخص اول دولت، یعنی رئیس‌جمهور، ایدئولوژی غالب در جامعه تاحدودی تغییر کرده و با آن همخوانی پیدا می‌کند. داده‌های مطلب روزنامه کیهان نشانگر آن است که برخلاف این‌که در زمان کنونی، قدرت در دست جناح اصلاح‌طلب می‌باشد، اما با این وجود، روزنامه کیهان که متعلق به جناح اصول‌گرا است، از موضع قدرت برخورد کرده است. چنان‌چه نگارنده متن ذکرشده، در سر تا سر آن، دولت را در نقطه مقابل خود فرض کرده و در مواردی دولت را تهدید و برای آن تعیین تکلیف کرده است. در صورتی‌که نگارنده روزنامه اعتماد که متعلق به جناح اعتدال‌گرا است، به دور از هرگونه تسلط‌گرایی، مردم را در کنار خود تصور کرده و هدف از نگارش مطلب را صرفاً ارائه گزارش به مردم و روشن‌گری در این خصوص ذکر کرده است.

۵. نتیجه‌گیری

با کمک نظریه فرکلاف می‌توان کردارهای گفتمانی و کردارهای اجتماعی را که در تولید متن نقش دارند، شناسایی کرد و به آگاهی زبانی انتقادی دست یافت. رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف با فراهم کردن تحلیل دقیق و مفصل متن تولیدشده، نشان می‌دهد که چگونه یک رخداد ارتباطی (مقاله روزنامه) در خدمت گفتمان موافق یا مخالف آن قرار می‌گیرد. درحقیقت هر متنی از جمله متون مورد پژوهش این مقاله، تحت تأثیر گفتمان‌های مختلف و متضاد، ساختار اجتماعی حاکم بر جامعه را منعکس می‌کند. بر این اساس متن از هر نوعی که باشد در دایره قدرت برای حفظ نظم موجود یا واژگونی آن تولید می‌شود. تحقیق حاضر با هدف ارتقای دانش انتقادی خوانندگان از رهگذر توصیف و تبیین ساختارهای زبانی ایدئولوژیک در مطبوعات متعلق به گفتمان‌های رقیب (اعتدال‌گرا و اصول‌گرا) انجام پذیرفت. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش در قالب الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بیانگر این مطلب است که نگارندگان مطالب روزنامه کیهان به مراتب بیش از نویسندگان مطالب روزنامه اعتماد از ساختارهای ایدئولوژیک در سطح توصیف، اعم از روابط مفهومی واژه‌ها، علائم سجاوندی و ساختارهای نحوی و گفتمانی (به‌کارگیری استعاره، تشبیه، ساختارهای نحوی نشان‌دار و پیش‌فرض‌ها و ...) استفاده کرده‌اند و بدین‌وسیله سعی در تکذیب گفتمان مورد بحث (تخصیص بورسیه‌های



تحصیلی در دولت دهم) را داشته‌اند؛ درحالی‌که متون روزنامه‌ اعتماد از بار ایدئولوژیکی کمتری برخوردار بوده و نگارنده با استفاده از راهبرد کمیّت زبانی و ارائه نمونه‌ها و شواهد در جهت تأیید گفتمان مورد نظر عمل می‌نماید.

۶. پی‌نوشت‌ها

1. critical discourse analysis
2. Fairclough
3. Fouclaut
4. text
5. description
6. interpretation
7. explanation
8. social context
9. Haliday
10. interaction
11. participants
12. social events

۷. منابع

- آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- ----- (۱۳۹۱). «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی». *مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)*. د ۳. ش ۲. صص ۱-۲۶.
- ----- و مریم غیاثیان (۱۳۸۶). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی». *مجله زبان و زبان‌شناسی (انجمن زبان‌شناسی ایران)*. د ۳. ش ۱. صص ۳۹-۵۴.
- ----- و همکاران (۱۳۸۹). «کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه‌شده خواهران اثر جیمز جویس». *مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی (جستارهای زبانی)*. د ۱. ش ۳. صص ۱-۲۴.
- حاتمی، علی و سمیرا جبارنژاد (۱۳۸۷). «تحلیل گفتمان به‌مثابه یک روش تحقیق در علوم انسانی». *کنگره علوم انسانی (پرتال جامع علوم انسانی)*.

- سرایی، حسن و همکاران (۱۳۸۷). «روش کیفی در مطالعات اجتماعی: با تأکید بر روش تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی». *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*. س ۲. ش ۳. صص ۸۳-۱۰۵.
- سلطانی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۸۷). *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*. تهران: نشر نی.
- صفوی، کورش (۱۳۸۷). *درآمدی بر معناشناسی*. تهران: سوره مهر.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته و دیگران. تهران: اختران و زمانه.
- میلز، سارا (۱۳۸۸). *گفتمان*. ترجمه فتاح محمدی. تهران: هزاره سوم.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

References:

- Aghagolzade, F. & M. Ghiasian (2007). "Dominant Approaches of Critical Discourse Analysis". *Journal of Language and Linguistics*. 3 (1): 39- 54 [In Persian].
- Aghagolzade, F. (2006). *Critical Discourse Analysis*. Tehran: Cultural and Scientific Publication Inst [In Persian].
- Aghagolzade, F. (2012). "The Description and Explanation of Ideological Linguistic Structures in Critical Discourse Analysis". *Language Related Research*. 3 (2): 1-26 [In Persian].
- Aghagolzade, F. et al. (2010). "The Efficiency of Fairclough's Critical Discourse Analysis Approach in Critics and Evaluation of Equivalents of Translated Texts of "Sisters" Written by Jame Joyce". *Language Related Research*. 1 (3): 1-24 [In Persian].
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1992 b). *Discourse and Social Change*. London: Polity Press.
- Fairclough, N. (1993). "Critical Discourse analysis and the Marketisation of Public



Discourse: The Universities". *Discourse and Society* 4 (2). pp. 133- 168.

- Fairclough, N. (1996). *Language and power*. Longman Group UK Limited.
- Fairclough, N. (2010). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.
- Fairclough, N. (2000). *Critical Discourse Analysis*. Translated by Shayeste, F. et al. Tehran: Akhtaran and Zamane Publishers [In Persian].
- Hatami, A. & S. Jabarnezhad (2008). "Discourse Analysis as a Research Methodology in Humanities". *National Social Science Confrence*.
- Jorgensen, M. & L. Philips (2010). *Discourse Analysis as Theory and Method*. Translated by: Jalili, H. Tehran: Reed Publication.
- Mills, S. (2009). *Discourse*. Translated by: Mohmadi, F. Tehran: Third Millennium Publication.
- Safavi, K. (2008). *Introduction to Semantics*. Tehran: Soore Mehr Publication.
- Saraie, H. et. al. (2008). "Qualitative Method in Social Studies: with an Emphasis on Discourse Analysis and Critical Discourse Analysis". *Journal of Social Sciences*. 2(3): 83- 105.
- Soltani, S. A. A. (2008). *Power, Discourse and Language: Mechanisms of Power in Islamic Republic of Iran*. Tehran: Reed Publication.
- Yule, G. (2000). *Pragmatics*. Oxford: Oxford University Press.